۱۶ برگ



کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب: جام گیتی نما ..... قاسمی — ضمیمه دارد

مصنف: قاضی میر حسین میبدی

مؤلف

خطی: نسخ ۲۰ سطری

چاپی

سال چاپ یا تحریر: — ..... عدد اوراق ۱۰

جزء کتب: حکمت ..... شماره

شماره عمومی: ۷۵۹۱ ..... شماره قبض

واقف: خریداری ..... تاریخ وقف: مهر ۱۳۲۹

طول: ۸ ..... عرض: ۱۰ ..... گنجه

ص ۲۹۴

و ملک یا ملکوتی جمادی [illegible] هر آنکه چه در عالم تمامان [illegible]
[illegible] المراد [illegible] النفس الناطقه از العقل [illegible] بحجه و در [illegible] درجه
ادراک الحقائق الاسماء العقل [illegible] بحجب والسجه عن ادراک الاسماء کما هی
[illegible] مطالعه در راه طور البرهان ولا [illegible] صعوبه [illegible]
کسی [illegible] صحیح [illegible] که [illegible] بود در ترس [illegible] تمام [illegible] دیگر کس
فقد [illegible] الی صعوبه ذلک المسلک. کما الی [illegible] ولا جرم الا ما
وجه الحکم اذا [illegible] من اللّه [illegible] و وجه جلاله [illegible] الکلام
و [illegible] جمع [illegible] کلمات العارفین و عبارات [illegible] رموز [illegible]
[illegible] معرفه حقائق الاسماء اما الطریق الکاشفه والطریق البرهان

بیت
[illegible] الوده بخت مست
[illegible] دل [illegible] حیرت است
این پاره [illegible]
[illegible] برون راست

بیت
[illegible] زمانه [illegible]
[illegible] صنم [illegible]
[illegible] داریم
[illegible]

بیت
[illegible] از فراق دوست [illegible]
[illegible]

بیت
[illegible]
[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نقتی وعلیه توکلی

سپاس حکیمی را که افکار حکما وانظار علما در معرفت کنه او متحیر و پریشانند
ودرود بر کاملان خاصه حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه واله وال واصحاب
او که غایه ایجاد عالم ایشانند معروض ارباب الباب انکه تمیز نوع انسان از سایر
انواع حیوان بفضیلت تعقلست وهر چند کسی در تعقل اتم واقوی است
مرتبه او در انسانیه ارفع واعلی است وکمال تعقل انسانی انست که مراه نفس
او مرتسم شود بصور حقایق واحوال اشیا از واجب الوجود وعقول ونفوس
وهیولی وصور جسمیه ونوعیه وافلاک وکواکب وعناصر بسیط ومرکبات
تامه وناقصه که معدن ونبات وحیوانست بتخصیص انسان که اخر مراتب
وجود است ونفس بواسطه این ارتسام عالم عقلی شود مشابه عالم عینی بنا
برین معنی قلم خجسته رقم نقاب خفا از چهره حقایق بامداد توفیق الهی برداشت
واین مختصر مسمی بجام گیتی نما بر وفق مشرب متاخرین حکما بر صحایف ظهور نگاشت
ومقصود انست که در بعضی اوقات سبب تذکار فقیر باشد ودر مجلس عالی حضرت
شاهزاده عدالت پناه اینه صور الطاف الهیه ونقاوه عناصر وافلاک خلاصه
ارباب ادراک حامی ارباب هدایت ماحی اسباب غوایت مفتاح کنوز توفیق
مصباح رموز تحقیق معدل نهار عدالت محدد جهات عدالت متمم خلق
احسان مقوم نوع انسان ملاذ علما امصار معاذ حکما اعصار جامع حدود

الهی

الهی مانع رسوم مناهی گوهر درج حشمت اختر برج حکمت مرقاه نفوس
فلکی مشکاه عقول کلی سراج لانوار العدل المشرق وقاسم فیض
الحق بین الخلایق له علم توحید وفطرة حکمه ومشرب تحقیق وکشف الحقایق
نور الله تعالی قلبه بانوار المعارف وافاض علی نفسه القدسیه اثار العوارف
امید که بعین عنایت ملحوظ نظر کیمیا اثر شود والتوکل علی الله الاحد الصمد
این رساله مشتملست بر فاتحه وسی مقصد وخاتمه فاتحه موجود یا بذات
خود موجود است واو را واجب الوجود گویند ویا ذات او نه مقتضی وجود
اوست ونه مقتضی عدم او را ممکن الوجود گویند وممکن الوجود دو قسم است
جوهر که محتاج نیست بموضوع وعرض که محتاجست بموضوع وجوهر
دو قسم است مجرد ومادی وجوهر مجرد یا عقل است که علاقه او با اجسام
منحصر است در تاثیر ویا نفس است که اکثر علاقه او با جسام تدبیر وتصرفست
وگاه تاثیر هم کند مثل چشم زخم وجوهر مادی هیولی است وصورت وجسم
طبیعی وهیولی محل است وصورت حال وجسم طبیعی مرکب از این دو چنانکه
سریر مرکب است از هیات مخصوصه وخشب پس اصول موجودات هفت
باشد واجب الوجود وعقل ونفس وهیولی وصورت وجسم طبیعی وعرض
مقصد اول کنه واجب الوجود را نمی توان شناخت ووجود وتشخص وحدت
وسایر صفات او عین ذات اوست یعنی مرتب میشود بر مجرد ذات او وانچه
مرتب میشود بر ذات ممکن با صفت وواجب الوجود در هستی مانند ضو است
در روشنی وچنانچه ضو بذات نور محض است واجب الوجود عین وجود است
وبذات خود موجود وممکن الوجود در هستی مانند زمینست در روشنی

العوارف
خوانند
دانست

مطلوبست وگرنه مرگ بهتر و دروغ گفتن بدترین اخلاق ذمیمه است حضرت
مولوی اولوی نظام احمد را نیازمندیم حسب الحکم او چند کلمه بخط شکسته بر فور عجالهٔ پیل
الحال نوشته شد مجملا حقیقت وجود موجود را که او هو حقه نوشته ام اگر فهم آن
دارد و تابعان او دعای این حال از سر شفقت نوشته شد و چند از این سخنان
پارهٔ مرموز و ملغوز است در وقت حضور کشف مستورات میشود
اگر حیات باشد و مقدور بود زیاده از این هم بگویم الحمد لکفیه کاشاره

نوشت ر

وانا العبد الغریب الغنی صدر الدین محمد بن منصور بن صدر الحسینی
الشیرازی الدشتکی رحمهم الله وغفر لهم ان شاء الله تعالی
کتبه بیده لنفسه العبد الراجی لرحمة
ربه الغنی باقر بن حیدر الحسینی عفی
عن سیئاتهما بمحمد وعلی
فی سنة ۱۰۷۳ من الهجرة
فی لاهیجان
صانها الله
عن الآفات
م م
م